



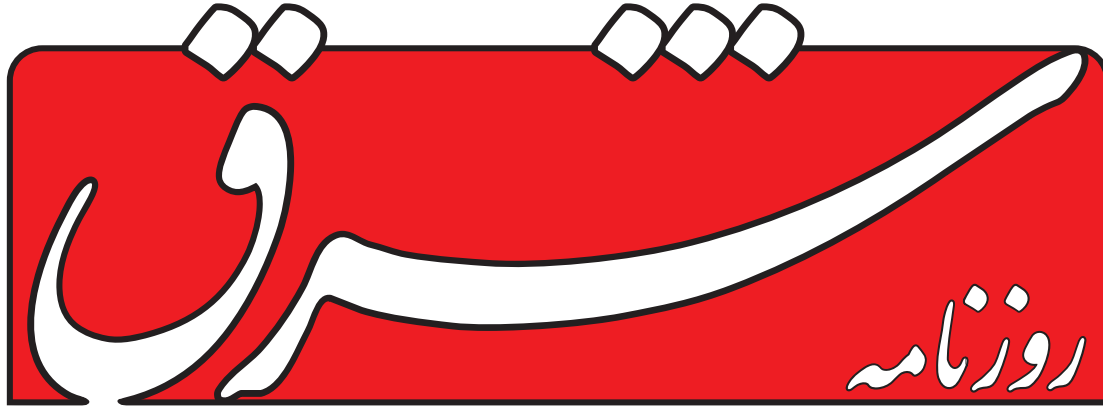
حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

کارل اشمیت، متفکر سیاسی آلمانی قرن بیستم، در کتاب مفهوم امر سیاسی می‌نویسد: جنگ همیشه بهتر از موارد عادی حقیقت امور را نمایان می‌کند و ما را به کنه مسائل می‌برد. تجاوز و جنگ اخیر آمریکا و اسرائیل علیه ایران برخی باورها و پنداشت‌ها را تغییر داد. یکی از مهم‌ترین واقعیت‌هایی که این جنگ آشکار کرد، تقویت ایده اشمیت است. ایده امکان همیشگی جنگ، گفت‌وگو، مذاکره و تفاهم اگر چه بسیار مهم هستند و امکان جنگ بین کشورها را کاهش می‌دهند اما به صفر نمی‌رسانند. جدال همیشگی بر سر منافع، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها امکان واقعی ستیز و نبرد بین کشورها را باز می‌گذارد. امکان جنگ به این معنا نیست که جنگ مطلوب است یا اینکه چرا صلح ستایش و تقدیس نمی‌شود. بشر می‌تواند آرمان صلح‌طلبانه داشته باشد اما واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که هیچ‌گاه امکان جنگ و تمایز دوست و دشمن بین کشورها را نمی‌توان انکار کرد. شاید صلح مقطعی بوده است میان جنگ‌ها. هنوز هم در میان برخی کشورها تمایز دوست و دشمنی وجود دارد. امکان واقعی ستیز و نبرد خارجی را باید همیشه به خاطر داشت. جنگ لزوماً بهنجار یا مطلوب نیست اما امکان واقعی بروز آن همیشه باقی خواهد ماند. این ادعای اشمیت به این معنا نیست که هر ملتی در مواجهه با ملت‌های دیگر یا برخی از آنها گزینه‌ای جز جنگ ندارد. امکان همیشگی جنگ به این معنا نیست که یک ملت به ناگزیر تا همیشه دوست یا دشمن یک ملت دیگر باقی می‌ماند.

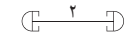
کارل اشمیت این ایده لیبرالیسم را که هرچه به سمت اقتصاد و تجارت حرکت کنیم، ستیز خارجی و تمایز دوست و دشمن منتهی می‌شود، نفی می‌کند. به عبارت دیگر لیبرالیسم بر این ایده است که رقابت و ستیز اقتصادی از امکان جنگ می‌کاهد. اشمیت می‌نویسد از ساحت اقتصاد هم امکان جنگ وجود دارد. این جنگ نشان داد که برتری اقتصادی هم می‌تواند جنگ‌افروزانه باشد. کشورهای قدرتمند بر شالوده اقتصاد و تجارت می‌کوشند سرتاسر جهان را در وضعیت نگاه دارند که به آنها امکان می‌دهد بدون هیچ مزاحمتی ابزارها و اهرم‌های اقتصادی خود را به کار ببندند و مدیریت کنند؛ مثلاً هر وقت بخواهند قراردادها و امتیازها را فسخ کنند، بر مبادلات اقتصادی هر جا که باشد، حد بگذارند و پول رایج دیگر کشورها را از اعتبار ساقط کنند. در این میان، هر تلاشی از جانب دیگر کشورها برای تاب‌آوری و برکنارداشتن خود از آثار و عواقب این ابزارها به ظاهر صلح‌آمیز، شرارت و خیانت تلقی می‌شود و در ادامه کشور قدرتمندی چون آمریکا سعی می‌کند از اعمال زور استفاده کند. گویی تحریم‌های اقتصادی، قطع تجارت و تأمین دارو و مشکل ایجادکردن برای عرضه مواد غذایی به جمعیت غیرنظامی کشورها کفایت نمی‌کند. در ادامه امپریالیست اقتصادی سعی می‌کند کشورهای دیگر را که با او همراه نیستند، بزه‌رزننده صلح و مخل امنیت جهانی بخواند. به این هم بسنده نمی‌کند و تلاش می‌کند با ابزارها و تکنولوژی‌های پیشرفته اهرم‌های فشار را برای ایجاد خشونت علیه سایر کشورها به کار گیرد. هم‌اکنون کشورهای قدرتمند با صرف سرمایه‌های هنگفت به‌دنبال تسلیم یا نابودسازی سایرین در زمانی که تشخیص بدهند، هستند. شاید اشمیت درست گفته بود؛ جنگی که برای حفظ یا توسعه قدرت اقتصادی در می‌گیرد، در سایه تبلیغات به جنگ برای نجات بشریت و برقراری صلح جهانی بدل می‌شود. تهاجم و جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران این حقیقت را آشکار کرد که امکان جنگ همیشه وجود دارد.

دوشنبه ۸ تیر ۱۴۰۵
۱۴ محرم ۱۴۴۸
۲۹ ژوئن ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۱۹
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



رهبر معظم انقلاب:

قوه قضائیه، جایگاهی بی‌بدیل برای به حرکت درآوردن سایر بخش‌های نظام دارد



در «شرق» امروز می‌خوانید: ادامه پاکسازی در ارتش چین • پزشک خانواده یا سیستم ارجاع: بابک زمانی • گنجشک شما برای ما قناری نیست: سحر طلوعی • زنگ خطر زیر پای تهران

سفر یک‌روزه رئیس‌جمهوری به قم و گفت‌وگو با علما درباره مسائل روز کشور

پزشکیان در مسیر اجماع



کزارش تشریح را در صفحه ۲ بخوانید

آیا سفر وزیر امور خارجه به عراق می‌تواند بازتعریف مناسبات منطقه‌ای را کلید بزند؟

پل بغداد

هیچ نهاد یا کشور دیگری جز ایران مسئولیتی در قبال مدیریت تنگه هرمز ندارد

برگزیده‌ها

حملات پهبادی اوکراین جنگ را به عمق اقتصاد روسیه کشانده است
پهپادها علیه ماشین جنگی پوتین

کزارش «شرق» از آتش‌سوزی منطقه شکارممنوع «بدیل» و جان‌باختن «تقی چکنوایی» آتش‌نشان داوطلب

قربانی تأخیر در امداد

نشست «ایران بسا جنگ، از رنج تا زیستن» با روایت‌هایی از تاب‌آوری، عاملیت، گفت‌وگو و بازسازی اجتماعی

نبرد برای زندگی

کارشناسان ایرادهای درخواست بورس برای عرضه شرکت‌های ملی نفت و گاز را در بازار سرمایه بررسی می‌کنند

خصوصی سازی نفت و گاز؟

جام ۲۰۲۶

شاگردان امیرقلعه‌نویی بدون پیروزی نتوانستند به جمع ۳۲ نیم برتر جام جهانی صعود کنند

پایان پروپاگاندا

سه ساعتی متر؛ فاصله‌ای که فقط روی خط آفساید نبود/ مهدی افشارنیک

یادداشت

دیپلماسی اقتصادی؛ راهی برای صلح پایدار و کاهش سوءتفاهم‌ها



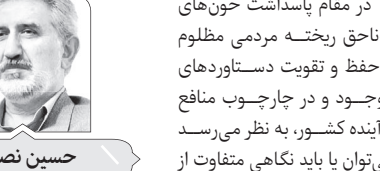
احمد ابروانی
رئیس مرکز مطالعات اسلام و خاورمیانه (CSIME) واشنگتن دی‌سی

بیش از چهار دهه از تنش و دشمنی میان ایران و ایالات متحده می‌گذرد؛ چهار دهه‌ای که هزینه‌های سنگینی بر هر دو کشور و بیش از همه بر مردم ایران تحمیل کرده است. تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های بانکی، کاهش سرمایه‌گذاری، عقب‌ماندگی در برخی حوزه‌های فناوری، محدود شدن همکاری‌های علمی و دانشگاهی و شکل‌گیری فضایی آکنده از سوءظن و بی‌اعتمادی، فقط بخشی از پیامدهای این وضعیت بوده است. جنگ اخیر نیز فارغ از اینکه هرکس چه برداشتی از علل و نتایج آن داشته باشد، بار دیگر نشان داد هیچ جنگی راه‌حل پایدار اختلافات نیست. جنگ فقط بر شمار قربانیان، خسارت‌های اقتصادی و فاصله‌های روانی میان ملت‌ها می‌افزاید و در نهایت، طرف‌ها را دوباره به میز مذاکره بازمی‌گرداند. اگر چنین است، آیا نباید بیش از گذشته به راه‌هایی اندیشید که احتمال بازگشت به تنش را کاهش دهد و زمینه‌ساز صلحی پایدار باشد؟ در روابط بین‌الملل، اعتماد پدیده‌ای ارزشمند اما شکننده است. تجربه‌های گذشته، از جمله خروج آمریکا از برجام، نشان داد توافق‌های سیاسی به‌تنهایی تضمین‌کننده آینده نیستند، اما نتیجه این تجربه نباید کنار گذاشتن دیپلماسی باشد، بلکه باید اندیشید چگونه می‌توان هزینه نقض توافق‌ها را برای هر دو طرف افزایش داد و انگیزه حفظ آن را تقویت کرد. به باور نگارنده، یکی از مهم‌ترین پاسخ‌ها به این پرسش، دیپلماسی اقتصادی است. البته دیپلماسی اقتصادی به معنای اعتماد بی‌قید و شرط به طرف مقابل یا نادیده گرفتن اختلافات نیست، بلکه به معنای ایجاد شبکه‌ای از منافع مشترک است که حفظ روابط را برای هر دو طرف سودمندتر از بازگشت به تقابل کند.

تساؤل‌ها

این لبنان، چگونه همان «لبنان» می‌شود؟

در مقام پادشاهت خون‌های به‌ناحق ریخته مردمی مظلوم و حفظ و تقویت دستاوردهای موجود و در چارچوب منافع و آینده کشور، به نظر می‌رسد می‌توان یا باید نگاهی متفاوت از گذشته به حزب‌الله و اصولا لبنان و قوام و آبادانی و رونق آن داشت. بررسی این مهم را می‌توان به دو سطح داخلی و خارجی تجزیه کرد و در انتها با ترکیب تعاملات و تأثیرات متقابل، میزان درستی نتایج را به داورى گذاشت. از سوی محافل نزدیک به حزب‌الله، در پیش و آغاز درگیری‌های اخیر گفته می‌شود که ۵۸ درصد مردم لبنان به‌گونه‌ای از جریان مقاومت حمایت می‌کنند. میزان دقت این ادعا را نمی‌دانم، اما آن گونه‌ای گزارش‌ها برمی‌آید:



حسین نصری

به‌طور تلویحی چنین برداشتی را تأیید می‌کند. با این توصیف، به نظر می‌رسد به شکرانه یا به پشتوانه این پیروزی، بایسته است که حزب‌الله به صورت اصولی با فروتنی دست به سوی دولت و گروه‌های متعدد قومی لبنان دراز کند. پس سخن از ضرورت مصالحه‌های لبنانی است. اگر در پس این جنگ و تجاوز، با چنین (Vision) نگاهی بتوان از طریق مصالحه‌های واقع‌بینانه، جدا از اتفاق گروه‌های شیعه، اکثریتی از جوامع اهل سنت و تعدادی از اقوام مسیحی ارمنه، آسوری، کاتولیک و نیز دروزی‌ها را به نام لبنان گردهم آورد، ارمغان آن گونه‌ای وفای، همکاری و در نتیجه شکل‌گیری امنیت و ثبات نسبی در آن کشور خواهد بود.

مراد آن است که اولاً، با سخاوت دستاوردهای صحنه نه به نام حزب‌الله یا شیعیان بلکه به نام لبنان ثبت شود. ثانیاً، اگر نه همان‌که به بیشترین طوایف ممکن به همراهی به آن دعوت شوند. ثالثاً، شالوده‌های منطقی برای بازتعریف حزب‌الله در قالب جنبشی ملی خواهد بود. آشکار است که چنین تحولی علاوه بر ارتقای منزلت و تثبیت جایگاه حزب‌الله در لبنان، انگ «نیابتی» بودن آن را سست می‌کند. بالطبع اصلاح فوق مانع روابط ایران و حزب‌الله نبوده و این ارتباط می‌تواند در اشکال مختلف تداوم یابد.

چنین اراده یا راهبردی البته نیازمند تدابیر، منش و برنامه‌ای اندیشه‌شده و منسجم است و تحقق آن به تدریج و با تلاشی خستگی‌ناپذیر باید تحصیل شود. بدیهی است با توجه به اطلاعاتی که حتماً در نزد حزب‌الله و... است، یارگیری‌ها و جذب باید از نزدیک‌ترین‌ها آغاز و تلاش شود تا دورترین‌ها نیز با کورسویی از امید، کم‌خطر یا منفعل شوند. روندی که علی‌الاصول صبورانه باید طی شود و البته که چنین نتیجه احتمالی ارزش فداکاری‌های بسیار دارد.

در جریان مقاومت جانانه اخیر، حزب‌الله بارها اعلام کرد به نام و نمایندگی لبنان در برابر متجاوزان ایستاده؛ که سخن پخته و مدبرانه‌ای است. این جوامع در طول قرون در کنار هم زیسته و محیط رنگارنگ آن به یک ضرورت تبدیل شده و احیاناً فرصت‌های جدیدی را برای دستیابی به راهکارهای واقع‌بینانه نوین فراهم کرده است.

الف) در سطح داخلی
نتایج غیرمنتظره تحصیل‌شده مقاومت و ناکارآمدی اقدامات منفعلانه دولت لبنان در برابر تجاوزات و...

در مقام پادشاهت خون‌های به‌ناحق ریخته مردمی مظلوم و حفظ و تقویت دستاوردهای موجود و در چارچوب منافع و آینده کشور، به نظر می‌رسد می‌توان یا باید نگاهی متفاوت از گذشته به حزب‌الله و اصولا لبنان و قوام و آبادانی و رونق آن داشت. بررسی این مهم را می‌توان به دو سطح داخلی و خارجی تجزیه کرد و در انتها با ترکیب تعاملات و تأثیرات متقابل، میزان درستی نتایج را به داورى گذاشت. از سوی محافل نزدیک به حزب‌الله، در پیش و آغاز درگیری‌های اخیر گفته می‌شود که ۵۸ درصد مردم لبنان به‌گونه‌ای از جریان مقاومت حمایت می‌کنند. میزان دقت این ادعا را نمی‌دانم، اما آن گونه‌ای گزارش‌ها برمی‌آید:



سید فرید موسوی

در چنین شرایطی، مخالفت با هر تلاشی برای کاهش فشار تحریم‌ها پرسش‌های جدی ایجاد می‌کند. کسانی که خود را مخالف سلطه اقتصادی می‌دانند، چرا نسبت به کاهش اثرگذاری مهم‌ترین ابزار فشار اقتصادی علیه ایران حساسیت کمتری نشان می‌دهند؟ چرا تخفیف‌های احتمالی در فروش نفت، هزینه‌های اضافی تجارت خارجی، محدودیت‌های بانکی و دشواری بازگشت منابع ارزی، کمتر به موضوع اعتراض تبدیل می‌شود؟ این پرسش زمانی جدی‌تر می‌شود که برخی از همین جریان‌ها از «ایران قوی» سخن می‌گویند. کشوری که نتوانی‌های خود باور دارد، از مذاکره هراسی ندارد. مذاکره نیز مانند مقاومت، ابزاری برای تأمین منافع ملی است. تصور اینکه نشستن پشت میز مذاکره الزاماً به معنای واگذاری امتیاز باشد، بیش از آنکه نشانه اعتمادبه‌نفس باشد، از تردید نسبت به ظرفیت‌های کشور حکایت می‌کند. آثار تحریم را می‌توان در زندگی روزمره مردم مشاهده کرد؛ در قیمت دارو، در کاهش قدرت خرید، در دشواری‌های سرمایه‌گذاری، در ناطمینانی اقتصادی و در فشاری که هر سال بر معیشت خانوارها افزوده می‌شود. استمرار این روند، تنها منابع اقتصادی کشور را مستهلک نمی‌کند، بلکه فرصت‌های توسعه و رقابت‌پذیری را نیز کاهش می‌دهد.

دوگانه‌ای علیه اقتصاد

در سیاست امروز، کمتر چیزی به اندازه دوگانه‌سازی‌های مصنوعی به منافع ملی آسیب زده است. یکی از مهم‌ترین این دوگانه‌ها، تقابل ساختگی میان مقاومت و مذاکره است؛ دو مفهومی که در عمل نه رقیب یکدیگر، بلکه مکمل یکدیگرند. با این حال، سال‌هاست بخشی از فضای سیاسی تلاش می‌کند این دو را در برابر هم قرار دهد؛ گویی هر جا سخن از مذاکره به میان آمد، اصل مقاومت زیر سؤال رفته و هر جا از تعامل سخن گفته شد، منافع ملی قربانی شده است. از همین جا است که مسیر تحلیل از واقعیت فاصله می‌گیرد. یک مفهوم راهبردی از جایگاه اصلی خود خارج شده و به ابزاری برای رقابت‌های سیاسی بدل می‌شود. در چنین فضای، بحث‌ها کمتر حول نتایج و بیشتر حول برچسب‌ها شکل می‌گیرد. به همین دلیل گاهی اصل مذاکره موضوع حساسیت قرار می‌گیرد، اما هزینه‌های ماندگاری تحریم‌ها کمتر مورد توجه واقع می‌شود. تحریم در اقتصاد ایران حضوری روزمره و ملموس دارد. آثار آن را می‌توان از بازار نفت تا شبکه بانکی، از تجارت خارجی تا سرمایه‌گذاری مشاهده کرد. تخفیف‌های اجباری در فروش نفت، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه، محدودیت در دسترسی به نظام بانکی جهانی و وابستگی به شبکه‌های واسطه‌ای، بخشی از بهایی است که اقتصاد کشور در سال‌های اخیر پرداخته است. در کنار این هزینه‌های آشکار، لایه دیگری از خسارت نیز وجود دارد؛ خسارتی که در صورت‌های مالی دیده نمی‌شود، اما بر توان اقتصادی اثر می‌گذارد. شرکت‌های واسطه و ترانزیتی، مسیرهای غیررسمی انتقال پول، بلوکه شدن

نوبت اول

سازمان خصوصی‌سازی
IRANIAN PRIVATEIZATION ORGANIZATION

«خلاصه آگهی عرضه عمومی»

شناخته آگهی: ۲۲۱۵۴۰۵
رجوع به صفحه ۳
م الف: ۹۹۰

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH

WWW.SHARGHDAILY.IR

خانواده محترم مرحوم استاد اسماعیل خلیلی

درگذشت نابهنگام این پژوهشگر شریف و متعهد جامعه‌شناسی را که با تعهد و مسئولیت اجتماعی از دانش خود در راه شناخت و تعالی جامعه ایران بهره می‌گرفت، خدمت شما و همکاران گرامی ایشان تسلیت عرض می‌کنیم.

آمرزش الهی برای دوست سفرکرده، مرحوم اسماعیل خلیلی و صبر و شکیب برای شما و همکاران وی آرزومندیم.

محمدعلی اکبری، هادی خانیکی، سیدحسین سرآج‌زاده عبدالعلی رضایی، عباس عبدی، علیرضا علوی‌نبار محمدجواد غلام‌رضا کاشی، بهروز گرانپایه محسن گورزی، میر طاهر موسوی، کامبیز نوروزی، حسین نورینی